



مفهوم‌شناسی کلمه ویل در قرآن کریم با تأکید بر پیام‌های

تربیتی آن

پوهنیار محمدرور احمدی

دیپارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنحی تعلیم و تربیه، پوهنتون فراه

ایمیل: Ahmadims1994@gmail.com

چکیده

تویخ و سرزنش انسان‌های گناهکار و هشدار به آنان برای دست کشیدن از اعمال زشت، یکی از روش‌های بارز در قرآن کریم است. الله متعال در آیات متعدد برای برخی از مجرمین، افزون بر وعده عذاب و انداز به دوزخ، کلمه «ویل» را به کار برده است. اهمیت تحقیق پیرامون این موضوع از دو جهت قابل توجه است: نخست، از جهت قرآنی و تفسیری که خود دارای ارزش و فضیلت والایی است و دوم، از آن رو که «ویل» کلمه‌ای هشدار دهنده و سرزنش‌آمیز بوده و مفسرین در تفسیر آن دیدگاه‌های گوناگونی ارائه داده‌اند که نیازمند بررسی عمیق است تا مفهوم و پیام‌های تربیتی آن روشن شود. در قرآن کریم کلمه «ویل» برای مرتکبان گناهایی چون تحریف احکام الهی، سنگدلی، کفر، شرک، ظلم، دروغ‌پنداشتن حق، تهمت زدن، کم‌فروشی، عیب‌جویی، طعنه‌زدن و بی‌توجهی به نماز به کار رفته است. بی‌تردید مرتکبین چنین اعمالی شایسته این هشدار شدید می‌باشند. از مهم‌ترین پیام‌های تربیتی حاصل از بررسی این آیات آن است که مسؤولان دینی و اجتماعی می‌توانند در انداز مردم از گناهان از لحن هشدار دهنده و قاطع استفاده کنند. همچنین ضایع کردن حقوق الهی و انسانی سبب آشفستگی روحی، افسردگی و از بین رفتن آرامش در جامعه می‌شود. اسلام دینی جامع است که هم به نیکی‌ها دعوت می‌کند و هم از بدی‌ها باز می‌دارد. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و تحلیلی بوده و از روش تفسیر موضوعی نیز استفاده شده است. به‌طور کلی کلمه «ویل» در سه حالت به کار رفته است: از جانب الله متعال بر مجرمین از سوی انسان بر خود و از انسانی بر دیگری. هدف اصلی تحقیق، گردآوری آیات دارای کلمه «ویل»، بیان دیدگاه مفسرین و تحلیل پیام‌های تربیتی آن است.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، گناهان، مجرمین، ویل.



الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله محمد الأمين وعلى آله وأصحابه

الطيبين و الطاهرين أما بعد

قرآن کریم در بردارنده روش های متعدد و گوناگونی برای ترغیب، تشویق، انذار و هشدار می باشد. روش و شیوه بحث قرآن کریم انگیزه بخش، اثرگذار، متحرک و بیدار کننده احساسات و روشن کننده فکر و ضمیر است. هشدار، سرزنش و ترساندن از عاقبت کارهای زشت نیز بار بار در قرآن کریم بیان شده تا اینکه انسان های غافل متوجه شوند. یکی از این روش ها و کلمات هشدار آمیزی که در قرآن کریم بار بار تکرار شده کلمه ویل است. این کلمه در حقیقت برای تنبیه و متوجه کردن و از ناحیه دیگر برای بیان حزن و اندوه و یأس و ناامیدی بکار رفته است. شدت و هشدار سختی که کلمه مذکور در بردارد، باعث شده که برای مجرمین و گناهکارانی بکار رود که بدترین و شدیدترین نوع جرایم و گناهان را انجام می دهند؛ بناءً به توفیق الله متعال می خواهم مقاله علمی تحقیقی را پیرامون جمع آوری آیاتی که کلمه ویل در آن بکار رفته بنویسم و هم چنان مفهوم شناسی کلمه ویل و بررسی جرایمی که برای شان ویل گفته شده را نیز به بحث بگیرم. وضعیت امروزی جامعه ما نیز به بررسی چنین موضوعی اشد نیاز را دارد؛ زیرا می بینیم جرایمی که برای شان ویل گفته شده و الله متعال از ارتکاب آنها هشدار داده است امروزه در جامعه ما وجود دارد و هستند کسانی که مرتکب چنین اعمالی می شوند. امیدواریم که چنین بحث های سبب بیداری و آگاهی بیشتر خوانندگان قرار بگیرد تا همچون دیوار دفاعی در برابر جرایم قرار بگیرد.

بعد از جستجو در مورد موضوع مذکور به بحث مستقلی که به زبان دری باشد دست نیافتم، اما تفسیر ویل و آراء مفسرین در کتب تفاسیر بشکل پراکنده بیان شده است، بطور مثال؛ امام ابن جریر طبری (رحمه الله) در تفسیر خویش «جامع البیان فی تأویل القرآن- تفسیر الطبری» نظریات دانشمندان را در مورد کلمه ویل جمع آوری



نموده، اما به جمع آوری آیات در یک موضع و تحلیل آن‌ها نپرداخته است. هم چنان راغب اصفهانی در کتاب خویش «المفردات فی غریب القرآن» معنی کلمه ویل و تعدادی از آیات را ذکر نموده است اما جمع آوری آیات و تحلیل شان نیز در آن دیده نمی‌شود. در این مقاله می‌خواهم مشخصاً بیان نمایم، که کلمه ویل چند بار در قرآن کریم ذکر شده و در کدام آیات بکار رفته است؟ و تفسیر کلمه ویل چی بوده؟ و برای کدام جرایم و در چه مواردی استفاده شده است؟ و چه پیام‌های تربیتی از بررسی جرایم فوق گرفته می‌شود؟

فرضیه‌های که احتمال می‌رود در نتیجه تحقیق واضح شود را می‌توان چنین بیان نمود: به نظر می‌رسد که آراء مفسرین در مورد کلمه ویل متعدد باشد. طوری که کلمه ویل معنی هشدار و سرزنش و حسرت و ندامت را باخود دارد به نظر می‌رسد برای جرایم بزرگ بکار رفته باشد. و در اخیر اینکه به نظر می‌رسد جرایمی که برای شان ویل گفته شده امروزه نیز متأسفانه انسان‌ها مرتکب شان می‌شوند. اهدافی که تحقیق مذکور در بردارد اولاً؛ بیان معنی لغوی کلمه ویل و سپس جمع آوری آیاتی است که در آن کلمه ویل ذکر شده، بعد از آن به تفسیر و جمع آوری آرای مفسرین در این مورد پرداخته می‌شود. و هم چنان تحلیل و بررسی جرایمی که برای شان ویل بکار رفته و بیان پیام‌های تربیتی که از بررسی جرایم فوق گرفته می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و موضوعی - تحلیلی می‌باشد. در این روش، محقق با مراجعه به منابع معتبر علمی، به خصوص قرآن کریم، تفاسیر معتبر و کتب لغت، معلومات لازم را برای بررسی مفهوم و کاربرد کلمه «ویل» جمع آوری نموده است. ابتدا تمامی آیاتی که در آن کلمه «ویل» به کار رفته جمع آوری شده و سپس با مراجعه به آثار مفسرین بزرگ مانند طبری، قرطبی، فخر رازی، ابن کثیر و



فراه علمی-خبرنیز ژورنال
 زمخشری، دیدگاه‌های مختلف تفسیری و لغوی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

در این تحقیق از روش تفسیر موضوعی استفاده شده است؛ بدین معنا که یک مفهوم قرآنی (در اینجا کلمه «ویل») در همه موارد استعمالش در قرآن کریم مورد تحلیل قرار گرفته تا معنا، جایگاه و پیام‌های تربیتی آن روشن گردد. تحلیل معلومات به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده است؛ یعنی پس از جمع‌آوری معلومات از منابع معتبر، مفاهیم استخراج، مقایسه و نتیجه‌گیری شده‌اند. در مجموع، این تحقیق زمینه فهم عمیق‌تر معنای کلمه «ویل» و کاربردهای تربیتی آن را در چارچوب آیات قرآن کریم فراهم می‌سازد.

مفهوم کلمه ویل از نگاه لغت

ویل در لغت به معنای هلاکت و خُزن می‌آید و اکثر اهل لغت بر این نظر است که ویل برای کسی بکار می‌رود که در هلاکت و عذاب گرفتار باشد، هم‌چنان کسی که در هلاکتی گیر آمده باشد که مستحقش باشد برایش ویل گفته می‌شود، چنان‌که در قرآن کریم گفته شده: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾. اما بر کسی که مشقت و سختی بیاید که او مستحقش نیست برایش ویح استعمال می‌شود که معنی ترحم را با خود دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۷۳۸). علامه آلوسی (رحمه‌الله) می‌گوید: «ویل مصدری است که از لفظ خود فعلی ندارد و جمع اش ویلات می‌آید و به معنی رسوایی و حسرت می‌باشد. ویل طوریکه در روایت صحیحی آمده است وادی است در دوزخ اما این حقیقت شرعی برای کلمه ویل بوده و معنی لغوی نیست زیرا در کلام عرب در شعر و نثر به کار برده شده است» (آلوسی، ج ۱: ۳۰۲).

فیروز آبادی می‌گوید: «الویل به معنی حلول شر بوده و لفظ ویل کلمه عذاب است و وادی در جهنم می‌باشد و در هنگام ماتم و غم ویلاه استفاده می‌شود». (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۰۶۹). خلاصه اینکه ویل در لغت برای عذاب و در هنگام غم و اندوه بکار می‌ورد.



آیاتی که در آن کلمه ویل بکار رفته است

بعد از بررسی آیاتی که در آن کلمه ویل آمده است، متوجه می‌شویم که به صورت عام کلمه ویل به سه نوع در آیات قرآن کریم بکار رفته است:

اول - آیاتی که الله متعال بر مرتکبین گناهان بزرگی همچون، کفر، شرک، ظلم و غیره ویل گفته است.

دوم- آیاتی که در آن کلمه ویل بکار رفته است و در آن انسان‌ها بر خود از روی ندامت، حسرت و پیشیمانی ویل گفته اند.

سوم- آیاتی که در آن انسان‌ها بر افراد دیگر به خاطر دلسوزی بر انجام اعمال زشت شان ویل گفته اند.

لفظ ویل در قرآن کریم (۴۰) مرتبه آمده است، (۲۷) مرتبه از طرف الله متعال به انسان گفته شده و (۳) مرتبه از زبان انسان برای انسان و (۱۰) مرتبه از زبان خود انسان بر اعمال مجرمانه اش و در هنگام یأس و حزن ذکر شده است. و با تعابیر مانند: (ویل، فویل، الویل، ویلکم، ویلتا، ویلتنا، ویلنا و ویلک) یاد شده است. ما در ادامه بحث به ترتیب آیاتی که در آن کلمه ویل آمده است را جمع آوری می‌نمائیم.

۱- مواردی که الله متعال در آن برای برخی افراد ویل گفته است

در آیات زیر الله متعال بر انسان‌های که جرایم و گناهانی را انجام داده است ویل گفته است و این در واقع هشدار، توبیخ و سرزنشی برای این مجرمین و گناهکاران می‌باشد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَ بِأُوهَامٍ مِنْنَا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾. (البقره: ۷۹)

ترجمه: وای بر کسانی (از احبار) که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آن‌گاه می‌گویند (به بیسوادان): این (توراتی است که) از جانب خدا آمده است تا به بهای کمی آن (تحریف شده‌ها) را بفروشند! وای بر آنان چه چیزهایی را با دست خود می‌نویسند! و وای بر آنان چه چیزهایی را به چنگ می‌آورند.

﴿فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُوْلَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾. (زمر: ۲۲)



ترجمه: وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند و یاد خدا بدان‌ها راه نمی‌یابد (و قرآن یزدان در آن‌ها اثر نمی‌گذارد!). آنان واقعاً به گمراهی و سرگشتگی آشکاری دچارند.

﴿وَيُنَالُ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ - يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُثَلَّىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (جاثیه: ۷-۹)

ترجمه: وای بر هر کس که دروغ پرداز و بزه‌کار باشد! آن کسی که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او خوانده می‌شود پس از آن از روی تکبر (بر کفر و مخالفت با حق و انجام گناه) اصرار می‌ورزد؛ انگار آیه‌های خدا را نشنیده است! پس او را به عذاب بس دردناکی مژده بده.

﴿وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾ (فصلت: ۶)

ترجمه: وای به حال مشرکان!

﴿اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ - الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ (ابراهیم: ۲-۳)

ترجمه: خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن او است. وای بر کافران! که عذاب سختی (و مجازات شدیدی) دارند، (چرا که در چنگ خدای غالب بر هر چیز و مالک همه چیز گرفتارند). کسانی که زندگی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح می‌دهند و مردمان را از راه خدا باز می‌دارند و راه خدا را نادرست نشان داده و کج و معوج می‌نمایانند، آنان در گمراهی سخت و ژرفی گرفتارند.

﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ﴾ (زخرف: ۶۵)

ترجمه: وای بر کسانی که ستم کردند! چه عذاب دردناکی در روز قیامت گریبان گیرشان می‌گردد!

﴿فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ﴾ (طور: ۱۱) ترجمه: آن روز، وای به حال کسانی که

حق را (تکذیب کرده اند!



همین آیت مجموعاً دوازده بار در قرآن کریم تکرار شده است، یک بار در سوره طور آیت (۱) ده بار در سوره مرسلات و یک بار هم در آیت (۱۰) سوره مطفین.

﴿وَبَلِّغْ لِلْمُطَفِّينَ - الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ - وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُواهُمْ يُخْسِرُونَ﴾. (مطفین: ۱-۳)

ترجمه: وای به حال کاهندگان (از جنس و کالای مردمان به هنگام خرید و فروش با ایشان)! کسانی که وقتی (در معامله) برای خود می پیمایند (یا وزن و مترای می - نمایند) به تمام و کمال و افزون بر اندازه لازم دریافت می دارند. و هنگامی که (در معامله) برای دیگران می پیمایند یا وزن می کنند از اندازه لازم می کاهند.

﴿وَبَلِّغْ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُّمَزَةٍ - الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ - كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ﴾. (همزه: ۱-۴)

ترجمه: وای به حال هر که عیب جو و طعنه زن باشد! همان کسی که دارائی فراوانی را گرد می آورد و آن را بارها و بارها می شمارد. آخر گمان می برد که دارائیش بدو جاودانگی می بخشد! هرگز! هرگز! (چنین نیست). او بدون شك به خرد کننده و درهم شکننده (اعضاء و اندام، آتش دوزخ نام) پرت می گردد و فرو انداخته می شود

﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾. (ماعون: 4-7).

ترجمه: وایلا به حال نمازگزاران! همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می سپارند. همان کسانی که ریا و خودنمائی می کنند. و از دادن وسائل کمکی ناچیز (منزل که معمولاً همسایگان به یکدیگر به عاریه و امانت می دهند) خودداری می کنند و (از یاری و کمک به مردمان) دریغ می ورزند.



۲- آیاتی که در آن انسان‌ها بر خود ویل گفته اند

در زیر آیاتی را می‌آوریم که انسان‌ها در حالت ترس، ناامیدی و در هنگام دیدن خسران و زیان فریاد زنان بر خود ویل گفته اند.

الله متعال از زبان فرزند آدم { که برادر خود را به ناحق به قتل رساند و بعد از آن اظهار ندامت و پشیمانی نموده، می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ (مائده: ۳۱)

ترجمه: گفت: وای بر من! آیا من نمی‌توانم مثل این کلاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! پس (سرانجام از ترس رسوائی و بر اثر فشار وجدان، از کرده خود پشیمان شد و از زمره افراد پشیمان گردید).

و از زبان زن ابراهیم می‌فرماید: ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْغِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ (هود: ۷۲)

ترجمه: گفت: ای وای! آیا من که پیرزنی هستم و این هم (ابراهیم) شوهرم که پیرمردی می‌باشد، فرزندی می‌زایم! این چیز شگفتی (و محالی) است.

از زبان گناه‌کاران بعد از این که نامه اعمال شان را می‌بینند و اوایلا سر می‌دهند، الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾ (کهف: ۴۹)

ترجمه: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است.

﴿قَالُوا يَا وَيْلَتَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ (انبیاء: ۱۴) همچنان در سوره انبیاء آیه ۴۶ نیز تکرار شده است.

ترجمه: می‌گویند: وای بر ما! ما ستمگر بوده‌ایم.

﴿وَافْتَرَبَ الْوَعْدَ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَتَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ (انبیاء: ۹۷)



ترجمه: در این هنگام) وعده راستین نزدیک می شود و به ناگاه کافران (را فرا می گیرد که) چشم هایشان از حرکت باز می ایستد ای وای برما! ما از این (روز) غافل بودیم بلکه به خود ستم کردیم.

﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ (فرقان: ۲۸)

ترجمه: ای وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی گرفتم.

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ (یس: ۵۲)

ترجمه: خواهند گفت: ای وای برما! چه کسی ما را از خواب مان (بیدار کرد و) برانگیخت! این همان چیزی است که خداوند مهربان وعده داده بود و فرستادگان (خدا در سخن ها و پیام های خود) راست گفته بودند.

﴿وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمَ الدِّينِ﴾ (صافات: ۲۰)

ترجمه: و خواهند گفت: ای وای برما! این، روز جزا است!

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ﴾ (قلم: ۳۱)

ترجمه: گفتند: وای برما! ما مردمان نافرمان و سرکشی بوده ایم.

۳- آیاتی که انسان بر انسان دیگری ویل گفته است

در ذیل به جمع آوری آیاتی می پردازیم که در آن ها انسانی بر هم نوع خود ویل

گفته است: الله متعال از زبان موسی { می فرماید:

﴿قَالَ لَهُم مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتْكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى﴾.

(طه: ۶۱)

ترجمه: موسی خطاب به جادوگران گفت: وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید که

خدا شما را با عذاب (خود) نابود و ریشه کن خواهد ساخت و شکست و نومیدی

از آن کسانی است که بر خدا دروغ می بندند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا

الصَّابِرُونَ﴾. (قصص: ۸۰)



ترجمه: و کسانی که دانش و آگاهی داشتند گفتند: وای بر شما! اجر و پاداش خدا (که بهشت جاویدان است) بسی والاتر و بهتر (از این چیزها) است برای کسانی که ایمان داشته باشند و کارهای شایسته انجام دهند و این (بهشت یزدان هم) جز نصیب شکیبایان نمی‌گردد.

﴿وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهِهُ أَفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلْتُ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعِيبَانِ اللَّهَ وَإِنَّكَ آتَمِنُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾. (احقاف: 17)

ترجمه: کسی که به پدر و مادرش (که او را دعوت به ایمان و باور به آخرت می‌کنند) می‌گوید: وای بر شما! آیا به من خبر می‌دهید که من (زنده گردانده می‌شوم و از گور) بیرون آورده می‌شوم؟ درحالی که پیش از من اقوام و ملت‌هایی از جهان رفته‌اند (و هرگز زنده نشده‌اند و به زندگی دوباره برنگشته‌اند). آنان پیوسته خدا را به یاری می‌خوانند (و به سبب گناهان زیاد و سخنان کفرآمیزش، خدایا خدایا می‌کنند و فرزندان را به ایمان دعوت می‌نمایند و می‌گویند: (وای بر تو! وعده خدا حق است، ایمان بیاور. او می‌گوید: این سخن‌ها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست).

تفسیر کلمه ویل

امام ابن جریر طبری (رحمه الله) تفاسیر متعددی را برای کلمه ویل نقل کرده است، طوری که می‌گوید: «اهل تأویل در تأویل کلمه ویل با هم اختلاف کرده‌اند، ضحاک از ابن عباس نقل کرده است که ویل به معنی عذاب می‌آید. از ابو عیاض سه قول نقل کرده است:

اول- ویل: «آنچه از زردابه‌های که در پائین دوزخ جریان دارد».

دوم- ویل: «حوضی است در قعر دوزخ که زردابه‌ها و آلودگی‌های دوزخیان در آن وارد می‌شود».

سوم- ویل: «وادی از زردابه‌ها در دوزخ است».

از کنانه عدوی از عثمان بن عفان (رضی الله عنه) از رسول الله ﷺ نقل کرده است که ویل: «کوهی است در دوزخ». احمد محمد شاکر اسناد حدیث فوق را ضعیف



دانسته است. (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۶۸). هم‌چنان ابن کثیر نیز حدیث فوق را منکر دانسته و غیر قابل حجت شمرده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۱۲). ابو سعید از رسول الله ﷺ روایت کرده است که: ویل وادی است در جهنم که شخص کافر در آن چهل خریف وقت می‌برد تا به به قعر آن برسد». (ترمذی، ۱۳۹۵، ق، ج ۵: ۳۲۰، ش: ۳۱۶۴). این حدیث را ابن کثیر ضعیف دانسته اما احمد محمد شاکر سند آن را صحیح دانسته است. (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۶۹). در اخیر امام طبری (رحمه الله) می‌گوید: بعد از بیان اقوال در تأویل کلمه ویل پس ویل نوعی از غذایی است که عبارت است از نوشیدن زردابه و آلودگی‌های دوزخیان که در پایین دوزخ قرار دارد. (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۶۹)

ابن کثیر (رحمه الله) می‌گوید که ویل در لغت به معنی هلاکت می‌آید و سپس معانی را که امام طبری (رحمه الله) را در تفسیر خویش آورده است ایشان نیز همان اقوال را نقل کرده و چند توجیه دیگر را نیز اضافه کرده است از جمله: ویل به معنی شر زیاد، غم و حزن و عذاب شدید. (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۰۶). صاحب تفسیر جلالین کلمه ویل را به شدت عذاب تفسیر کرده است. (سیوطی، ب ت، ج ۱: ۱۶). و امام نسفی ویل را به وادی در جهنم تفسیر کرده است. (نسفی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۱: ۱۰۴). امام فخر الدین رازی (رحمه الله) می‌گوید: «ویل کلمه است که هر انسان رنج دیده آن را بکار می‌برد، از ابن عباس (رضی الله عنه) نقل کرده است که ویل به معنی عذاب دردناک می‌آید» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۶۵).

از بررسی اقوال مفسرین در مورد ویل دانسته می‌شود که ویل مطابق حدیثی که در فوق ذکر گردید وادی در دوزخ است، که زردابه‌ها و آلودگی‌های دوزخیان در آن جاری است و بسیار دردناک می‌باشد.

تحلیل و بررسی جرایم و گناهایی که برای شان ویل گفته شده

۱. وای بر کسانی که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آن‌گاه می‌گویند این از جانب خدا آمده است.
۲. وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند.



۳. وای بر کافران!
۴. وای به حال مشرکان!
۵. وای بر کسانی که ستم کردند!
۶. وای بر هر کس که دروغ پرداز و بزه کار باشد!
۷. وای به حال کسانی که (حق را) تکذیب کرده اند!
۸. وای به حال کاهندگان.
۹. وای به حال هر که عیب جو و طعنه زن باشد!
۱۰. و اوایلا به حال نمازگزاران! همان کسانی که نماز خود را به دست

فراموشی می سپارند.

می بینیم که تحریف احکام الله متعال، سنگدلی، کفر، شرک، ظلم، انکار و دروغ پنداشتن حق، تهمت زدن، کم دهندگان حقوق مردم، عیب جویی، طعنه زدن و تساهل و غفلت از نماز همه این ها گناهان و جرایمی هستند که الله متعال در حق مرتکبین آنها ویل گفته است و حقیقتاً مرتکبین این جرایم مستحق چنین هشدار و اخطار شدیدی می باشند. طوری که در حدیث برخی از این جرایم از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است، رسول الله ﷺ می فرماید: «أَلَا أُنبئُكُمْ بِأكْبَرِ الْکِبَائِرِ؟» ثلاثاً قُلْنَا: بلى يا رسولَ الله، قال: «الإِشْرَاقُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» وكان مُتَكِناً فَجَلَسَ، فَقَالَ: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ وَشَهَادَةُ الزُّورِ» فما زال يكررها حتى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ. (بخاری، ۱۴۲۲ هـ ق، ج ۶: ۵۶۴، ش: ۲۶۵۴).

«آیا شما را از بزرگترین گناه کبیره آگاه کنم؟» گفتیم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «شرک به خدا و نافرمانی و آزار پدر و مادر»، پیامبر ﷺ (وقتی این را فرمودند) تکیه زده بودند، آن گاه نشست و فرمودند: «آگاه باشید! (دیگری) سخن دروغ و شهادت باطل است» و این جمله را همچنان تکرار می فرمود تا این که با خود گفتیم: کاش سکوت می فرمود!



و امام ذهبی (رحمه الله) اکثر همین جرایمی که را برای شان در قرآن کریم ویل بکار رفته است را از جمله گناهان کبیره دانسته است و در کتاب مشهور خود که به نام «الکبائر» می باشد آن ها را لیست کرده است. (ذهبی، ب ت: ۷۹)

پیام های تربیتی که از تحلیل و بررسی کلمه ویل گرفته می شود

از تحلیل و بررسی کلمه ویل در قرآن کریم و تحلیل جرایمی که برای شان ویل گفته شده چند نکته و پیام مهم تربیتی دانسته می شود که ما در ذیل به آن ها اشاره می کنیم:

الف - طوری که الله متعال بر جرایم فوق ویل گفته است که لفظ هشدار و سرزنش می باشد بر دعوت گران، مسؤولین امر بالمعروف و نهی عن المنکر و همه مسلمانان لازم است که مردم را از ارتکاب این اعمال زشت بر حذر دارند و از مجازات سنگینی که برای مرتکبین چنین اعمالی در نظر گرفته شده ایشان را بترسانند.

ب - نکته مهم دیگری که به آن باید توجه کرد این است که ما در هنگام نصیحت و اندرز، ثواب و عذاب یک عمل را به همان اندازه شدت و خفت بدهیم که در نصوص بدان داده شده است. اگر عملی در آیات و احادیث ثوابش زیاد گفته شده برای مردم زیاد بگویم و اگر کم گفته شده کم بگویم به همین شکل عذاب و مجازات یک عمل را نیز مطابق آن چه آمده بیان کنیم. یکی از نکات ضعف برخی واعظان این است که آن ها به گمان تشویق و یا تخویف ثواب و عذاب یک عمل را بیشتر از آن چه شریعت برایش در نظر گرفته بیان می کنند که این عمل شان درست به نظر نمی آید زیرا در آیات و احادیث حکمت های فراوان و پیام های مهمی در نحوه و شیوه بیان نهفته است که ما به همان شکل که آن ها را بیان کنیم برای مردم دلنشین تر و مؤثرتر تمام خواهد شد. لذا اگر نهی از یک عملی با تأکیدات و الفاظ شدید وارد شده باشد ما هم باید به همان تأکید و شدت آن را بیان کنیم از آن جایی که لفظ ویل کلمه شدت است ما هم باید با تأکید و شدت مردم را از آن ها باز داریم.



ج - علت اساسی که برای مرتکبین گناهان فوق سرزنش شدید و مجازات سنگین گفته شده به این خاطر است که در ارتکاب آن‌ها هم حق الله متعال ضایع می‌شود مانند: کفر، شرک، تکذیب و انکار حق، کفران نعمت و سستی در نماز و هم در ارتکاب آن‌ها حق بندگان و مردم ضایع می‌شود مانند: ظلم، تهمت زدن، عیب‌جویی، کم دادن حق مردم و دروغ‌گویی. لذا مرتکبین گناهان فوق هم خود را به خطر می‌اندازند و به مشکلات روحی و روانی دچار شده امنیت درونی خویش را از بین برده و چون به شرک و کفر مبتلا شوند تکیه‌گاه حقیقی را از دست می‌دهند و به افسردگی، وسواس و استرس دچار می‌شوند و هم امنیت و آرامش بقیه انسان‌ها را برهم می‌زنند.

د - از بررسی و تحلیل جرایمی که برای‌شان ویل گفته شده کمال شریعت اسلامی دانسته می‌شود که این دین حنیف و بزرگ همان‌طور که عقیده فرد را اصلاح می‌کند رفتارش را نیز اصلاح می‌کند، کفر و شرک که مربوط به عقیده می‌شود باید از عقیده‌ها پاک شود و ایمان و توحید جایش را بگیرد، همین شکل رفتار انسان‌ها نیز باید اصلاح شود و از تهمت، دروغ‌گویی و ظلم که جزء اعمال و رفتار می‌باشد مردم پاک و خالص گردند. بناءً دین مبین اسلام صلاح و خیر فرد و جامعه هر دو را می‌خواهد و یک دین زنده و متحرک بوده و یک اجتماع پاک که در آن کسی به خود و به‌دیگران ضرر و زیانی نرساند را بنیان‌گذاری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی آیاتی که در آن کلمه ویل آمده است، متوجه می‌شویم که به صورت عام کلمه ویل به سه نوع در آیات قرآن کریم بکار رفته است، از طرف الله متعال از طرف خود انسان برای خودش و از طرف انسان از باب دلسوزی برای انسان‌های دیگر. لفظ ویل ۴۰ مرتبه در قرآن مجید آمده است و بیشترین تکرار آن در سوره مرسلات است که ۱۰ مرتبه تکرار شده است. لفظ ویل مصدر است و جمع



اش ویلات می آید و در لغت به معانی همچون؛ هلاکت، قعر دوزخ، حزن و اندوه و یأس و ناامیدی آمده است.

کلمه ویل نزد مفسرین تعابیر مختلفی به خود گرفته است و از مجموع اقوال نتیجه گرفته می شود که ویل نوعی از عذاب است که الله متعال آن را برای مجرمین و گناه کاران در نظر گرفته است که از آلودگی ها، زردابه های که در قعر دوزخ روان است به آن ها چشانده می شود.

می بینیم که تحریف احکام الله متعال، سنگدلی، کفر، شرک، ظلم، انکار و دروغ پنداشتن حق، تهمت زدن، کم دهندگان حقوق مردم، عیب جویی، طعنه زدن و تساهل و غفلت از نماز همه این ها گناهان و جرایمی هستند که الله متعال در حق مرتکبین آن ها ویل گفته است و حقیقتاً مرتکبین این جرایم مستحق چنین هشدار و اخطار شدیدی می باشند. هر کدام از جرایم فوق اثرات منفی در جامعه گذاشته و سبب ویرانی دنیا و آخرت مرتکبین آن ها می گردد.

پیام های که از بررسی این جرایم گرفته می شود را می توان چنین برشمرد؛ یکم: دعوت گران و مسؤولین امور مردم را از ارتکاب گناهی که برای شان ویل گفته شده است باید برحذر دارند. دوم: می توانیم برای انذار مردم از این گناهان از شدت و سختی کار گرفت. سوم: ترک حقوق الله متعال سبب ناهنجاری روحی، افسردگی درونی و سرانجام آرامش از انسان سلب می شود؛ هم چنان ضایع کردن حقوق مردم هم به خودش و هم به دیگران آسیب می رساند. چهارم: دین اسلام دین کاملی است هم به خوبی ها دعوت می دهد و هم از بدی ها باز می دارد؛ زیرا هر دو نیاز است.



منابع

- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير. (١٤١٩ق). **تفسير القرآن العظيم** (ابن كثير). تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين. (١٤١٤ هـق). **لسان العرب**. بيروت، دار صادر، چاپ سوم.
- آلوسی، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي. (١٤١٥ هـ). **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني**. تحقيق: علي عبد الباري عطية، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. (١٤٢٢ هـق). **صحيح البخاري**. تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر. دار طوق النجاة، چاپ اول.
- الترمذي، محمد بن عيسى بن سَوْرَة أبو عيسى. (١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م). **سنن الترمذي**. تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر. مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم.
- خرمدل، دكتور مصطفى. (١٣٨٨ هـ ش). **تفسير نور**. تهران، نشر احسان، چاپ هفتم.
- الذهبي، شمس الدين أبي عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْمَاز الذهبي (ب ت). **الكبائر**. بيروت، دار الندوة الجديدة.
- الرازي، أبو عبد الله محمد بن عمر الملقب بفخر الدين الرازي. (١٤٢٠ هـ). **مفاتيح الغيب = التفسير الكبير**. بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم.
- سيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي و جلال الدين محمد بن أحمد محلي. (ب ت). **تفسير الجلالين**. چاپ اول، القاهرة، دار الحديث الطبري، محمد بن جرير بن يزيد أبو جعفر. (١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م). **جامع البيان في تأويل القرآن**. تحقيق: أحمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
- الفيروزآبادي، مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادي. (١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م). **القاموس المحيط**. بيروت، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ هشتم.



النسفي، أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين. (١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م).

تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل). تحقيق: يوسف علي بديوي،

بيروت، دار الكلم الطيب، چاپ اول.



The Conceptual Analysis Of The Word "Wail" In The Holy Quran With Emphasis On Its Educational Messages

Muhammad Sarwar Ahmadi

Department of Islamic Studies and Culture, Faculty of Education, Farah University

Email: Ahmadims1994@gamil.com

Abstract

Reprimanding the guilty people and warning them to stop their ugly deeds is one of the usual methods in the Holy Quran. In the Holy Quran, Allah, the Exalted, for some people who have committed sins and crimes, in addition to warning and promising hell and the painful torment has brought the word "wail" to them, so I intend to write a scientific research article under the title "The Conceptual Analysis Of The Word "Wail" In The Holy Quran With Emphasis On Its Educational Messages". The importance of researching this subject stems, on one hand, from the fact that it is a Qur'anic study, which holds high virtue and value. On the other hand, the word "Wail" has been interpreted in multiple ways by exegetes, requiring further investigation to clarify its meaning and extract its educational messages. We see that Allah Almighty has used the word "Wail" for those who commit sins such as: distorting divine rulings, hardness of heart, disbelief, polytheism, oppression, denial and false accusations against the truth, slandering, cheating others of their rights, fault-finding, mockery, and negligence in prayer. Truly, those who commit such offenses are deserving of such stern warnings. Among the most important educational messages derived from these crimes is that authorities and educators may use firm and intense warnings to alert people to the gravity of these sins. Furthermore, abandoning the rights of Allah and violating the rights of others leads to psychological disorder, depression, and ultimately deprives a person of inner peace. This shows that Islam is a complete religion that calls to goodness and forbids evil both of which are essential. The methodology of this article is library-based and analytical. And since the subject is Qur'anic, the thematic interpretation method is also applied. Generally, the word "Wail" appears in three forms: from Allah to sinners, from a person to himself, and from one person to another. The main goal of this research is, first, to collect the verses in which "Wail" is mentioned; second, to present the opinions of the scholars on its interpretation; and finally, to analyze the sins for which "Wail" is used, along with the educational messages derived from them.

Key words: Holy Quran, sins, criminals and wail.